

و اما اربعینی‌ها ...

ای نظر کرده و عزیز شده خدا، حال که دل‌های بی‌قرار عاشقانت به سوی تو پر کشیده و رایحه نامت در اربعین، «چون شیشه عطری که درش گم شده باشد»، در هوای جهان پیچیده و از ابدیت مستمان کرده، مبدا در «شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل»، خود را از نظر لطف شما محروم و جامعه را بیش از این در محبس غیبت محکوم کرده باشیم که «کجا داند حال ما سبکباران ساحل‌ها». ای کریم؛ دعا کن برای ما، که سخت محتاجیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمدهادی صحرایی در یادداشتی نوشت: «و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند.» (۱)

با مرور تاریخ انبیا که سلام و درود خدا و خوبان نثارشان، یکی از چیزهایی که بی‌شک به ذهن ما خطور می‌کند این است که اگر ما در آن دوران بودیم، چگونه رفتار می‌کردیم؟ اگر پیامبران خدا و معجزاتشان را می‌دیدیم در مقابل رسالت آنها چه رفتاری داشتیم؟ می‌پذیرفتیم یا نه؟ اگر می‌پذیرفتیم با طیب خاطر و دل آرام یا به سختی و با چون و چرا؟ اوامرشان را تمکین یا در آنها تردید می‌کردیم؟ می‌شود کسی توفان نوح ببیند و خاشع نشود؟ یا گلستان شدن آتش نمرود برای ابراهیم را ببیند و خاضع نگردد؟ می‌شود معجزات دوازده‌گانه موسای کلیم تا شکافته شدن دریا و عبور بنی اسرائیل از میان امواج کوه پیکر است را دید و دل نلرزد؟ زنده شدن مرده و محو برص و پیری از پوست و بدن مردم توسط عیسی روح‌الله را چه باید گفت؟

آیا می‌شود پذیرفت کسانی محمد امی و امین که سلام و صلوات و برکات خدا بر او و خاندانش را دیدند که چگونه از آسمان، قرآن جاویدانی به زمین آورد که تاکنون جن و انس نتوانسته‌اند، یک آیه مثل آن را بیاورند ولی باز هم قلبشان نرم به ایمان نشد؟ دیدند که چگونه از مردم متفرق، خشک، خشن و جاهلی حجاز، برادرانی مثل سلمان فارسی و ابوذر غفاری و صهیب رومی و بلال حبشی و ... به وجود آورد که تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، هیچ بدیل و عدیلی نمی‌توان برایش یافت ولی باز هم ایمان نیاوردند. باور اینها گرچه سخت است و مثل انکار خورشید توسط کسی که نور و گرمای آفتاب را حس می‌کند می‌ماند ولی واقعیت این است که می‌شود باور کرد مخلوقاتی شبیه آدمی هستند و عقل و قلب‌هایی دارند ولی نمی‌توانند با آنها بفهمند و باور کنند؛ چشمانی دارند که حقیقت بین نیست؛ و گوش‌هایی که سخن حق نمی‌شنوند. و به جای حواس به هوا و هوس اکتفا می‌کنند.

می‌بیند که منطق حسین بن علی که سلام خدا و خوبان و ما به محضرش، پس از آنکه بر سیطره روانی و رسانه‌ای یزید پیروز شد، توانسته بعد از هزار و چهارصد سال، با مغناطیس محبت، سیطره افسانه‌ای رسانه‌های استکباری را هم پاره‌پاره کند و ده‌ها میلیون نفر را در روزگاری که مردم جهان، حس و حال فعالیت‌های سخت اجتماعی و رمق اقتصادی ندارند را در گرمای سخت، پیاده و پای برهنه به پهنه بیابان‌های عراق بکشاند و برای فطرت غبار گرفته و عدل ستم‌دیده بگریاند و خونخواه دین سربریده کند ولی باز هم تردید و تشکیک و تحقیر و توهین می‌کنند که اخلاق آل بوجهل و بوسفیان‌هاست. در ابتدا تکذیب می‌کنند و پس از ناکامی، در واقعیت، تردید می‌کنند و چون باز هم ناتوان می‌شوند، تمسخر می‌کنند یا مثل احمق‌های آمر و عامل قرآن‌سوزی، می‌خواهند حقیقت را آتش بزنند. و این شیوه لعنتی، مختص به نفرین‌شدگانی است که تعبیر قرآن از آنها، موجودات پست‌تر از چهارپایان است.

بسیار عجیب است در روزگاری که بزرگان و مدعیان مدیریت افکار عمومی جهان که پیوسته نظر می‌سازند و می‌گویند «رسانه به مردم می‌گوید به چه فکر کنند» و گاهی می‌گویند «یاد می‌دهد چگونه فکر کنید» و باز می‌گویند «می‌آموزیمتان که به آنچه ما می‌خواهیم ببینید» و ... ولی باز هم کسانی هستند که به سیدالشهدایی فکر می‌کنند که هزار و چهارصد سال پیش در دشت تفتیده کربلا فرمود «هرگز کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند» و چقدر ذلت و خفت از این اندیشه دور است؛ و او تکه‌تکه شد ولی هر ساله دل‌های مؤمنان و محرومان را به هم جمع‌تر می‌کند. اکنون که گویی صنعت رسانه‌های اغواگر و غفلت‌زا به دست سامری و شریح قاضی و یزید و ابن زیاد افتاده، هر روز حرف حسین، سکه رایج تر فطرت‌های پاک و اندیشه‌های زلالی می‌شود که به جای ابلیس و ابلیسک، خدای ازلی و ابدی و زنده و مقتدر آسمانها و زمین را می‌پرستند.

عجیب است در دنیای امروز که ارباب رسانه‌ها اولویت زندگی و علایق و سلايق را سمت و سو می‌دهند و شیوه زندگی به سبک «جنگل منظم و مطیع» را می‌آموزند و نظم فطری و طبیعی حیات بشری را به هم زده و دنبال عملی کردن تهدید ابلیس در گمراه کردن مردم با آرزوهای دور و دراز و دگرگون کردن خلقت خدا (۲) هستند، هستند مردمی که نبض زندگی خود را با آخرین ضربان قلب حسین تنظیم کرده‌اند تا برای همیشه تاریخ، نام حسین در جهان طنین افکند. اینکه حسین زنده است و نمی‌میرد به خاطر فطری بودن آرمان اوست و هر که حیات انسانی را برگزیده و در خلقت خود تابع خرد و ایمان است، با امام سربریده احساس قرابت و خویشی می‌کند. آن که با دیدن عظمت راهپیمایی اربعین، به قصد تحقیر، آن را احساسی و شور و زودگذر می‌خواند، نه معنی احساس و شور را فهمیده و نه می‌داند زودگذر یعنی چه و هنوز هم متوجه کم‌فهمی خود نشده است. هزار و چهارصد سال زودگذر است؟!

اگر عشق اربعینیان به حسین، فقط از سر احساس و هیجان بود، چرا امپراتوری رسانه‌ها که به دنبال جایگزین کردن غریزه و احساس به جای فطرت و عقل هستند نمی‌توانند یک هزارم جمعیت اربعین را در یک تابستان سوزان جمع کنند؟ اربعینیان لقمه دهان خود را با زائران نصف می‌کنند ولی چرا غول‌های قارونی جهان جرأت و جریزه ندارند که کمی از ثروت افسانه‌ای خود را برای تجمع پیروانشان هزینه کنند؟ جهان سلطه با هوش مصنوعی، هوش از سر عقل برده و تزیین و تزویر رسانه‌های صهیونی جنگ جهانی ربات‌ها علیه عقل را به راه انداخته و به اسم تمدن نوین، برای قوم لوط که هزاران سال پیش عذاب شده، پرچم ساخته و به دست مسخ شده‌ها داده و به اسم آزادی، مردم را لخت می‌کند و به نام مبارزه سیاسی، شلوار از پای

حیا و غیرت درآورده و در این شرایط، ده‌ها میلیون نفر که توانسته‌اند خود را به سرزمین اربعین برسانند فریاد می‌زنند «لا اُعبَد ماتعبدون». و حسین رهبر این جوانمردان است.

دریایی که نمی‌از آن گفته شد از عجایب روزگار ما و معجزه جاری حسین است که در آن زندگی می‌کنیم و اربعین، محیط زیستی شده تا مردان و زنان آخرالزمانی که قرار است انتهای طولانی تاریخ را به نام خدا و به رنگ حسین، معماری و نقاشی کنند، در آن تمرین زندگی بهشتی کنند. و حسین طراح آخرین تمدن بشری است که مردم زیر سایه بیکرانیش جا می‌جویند. آن که فرمود «ففرّوا الی الحسین» امروز را می‌دید که چگونه شیاطین جن و انس، انسان شکار می‌کنند و به خورد شهوت می‌دهند و چگونه با غریزه یزیدی به جنگ فطرت حسینی آمده‌اند. کشتی وسیع و سریع حسین، هم آدمیان را از مهلکه‌های شیاطین می‌رهاند و هم آنان را به زمان و مکان اصلی تاریخ و جغرافیایی که قرار است تمدن مهدوی که خدا در ظهورش تسهیل و تعجیل کند، می‌رساند. آنچه مردم از حسین دیده و دل به او باخته‌اند، هرگز اتفاقی نیست و غیر از حقانیت و صداقت و صفا، تحیری است که وصف ناشدنی است.

فهمیده‌اند که حسین، بیابان را آباد و فقیر را کریم و بینوا را بخشنده و سرگردان را سربه راه می‌کند که سفره دل خود را زیر پای زائرانش پهن می‌کنند. و ای حسین! که کربلایت را مرکز عقل و عاشقی جهان کرده ای، حرارت جگر دلدادگانت کجا و گرمای تابستانی این بیابان‌ها کجا؟ کار ما کجا و جهاد تو و یاران با وفایت کجا؟ آنچه ما و خانواده ما از جفاکاران روزگار می‌کشند کجا و سختی اهل بیت محترم تو کجا؟

ای نظرکرده و عزیزشده خدا، حال که دل‌های بی‌قرار عاشقانت به سوی تو پر کشیده و رایحه نامت در اربعین، «چون شیشه عطری که درش گم شده باشد»، در هوای جهان پیچیده و از ابدیت مستمان کرده، مبدا در «شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل»، خود را از نظر لطف شما محروم و جامعه را بیش از این در محبس غیبت محکوم کرده باشیم که «کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها». ای کریم؛ دعا کن برای ما، که سخت محتاجیم.

منبع: کیهان

۱- سوره سجده، آیه ۲۴.

۲- و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهیم کرد، و وادارشان می‌کنم تا گوش‌های دام‌ها را شکاف دهند، و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند.» و هر کس به جای خدا، شیطان را دوست گیرد، قطعا دستخوش زیان آشکاری شده است. سوره نسا، آیه ۱۱۹.